

تانون های نانوشته

اثر:

شهرام شریف پیران

شریف بیران، شهرام

۸۰۸ قانون های نانوشته / اثر شهرام شریف بیران - فرخ شهر، جهان بین

/۸۸۲

۱۳۹۰

ق ۲۵۳ ش ص

۲- نکته گویی و گزینہ گویی ها.

۱- کلمات قصار

الف، عنوان



فرخ شهر، خیابان باهنر، کوچه ۲، پلاک ۹

تلفکس: ۰۳۸۲۲۴۲۳۸۲۰ همراه: ۰۹۱۳۳۸۲۲۲۸۱

قانون های نانوشته

مؤلف: شهرام شریف بیران

پردازش رایانه ای متن: احسان شایان

لیتوگرافی: سروش

چاپ: نقشینه

صحافی: تلک

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۷-۷۳-۲۶۳۷-۹۶۴-۹۷۸-۹۷۸-۹۶۴-۲۶۳۷-۷۳-۷ ISBN 978-964-2637-73-7

مقدمه:

جان نباشد جز خبر در آزمون هر که را افزون خبر جانش فزون

نگاه هنری به جهان یکی از بکر ترین و بدیع ترین روی کردهای آدمی در گستره ی معرفت شناسی به شمار می رود. به طور کلی معرفت و شناخت انسان، از درون و پیرامونش، را می توان بر دو گونه تفکیک و تقسیم کرد: «شناخت عاطفی و هنری» و «شناخت منطقی و علمی». شناخت منطقی و علمی، به سادگی قابل انتقال است و با معیارهای علمی قابل فهم و ادراک است و در عین حال می توان توقع فهمی مشابه و مشترک از هر اصل یا قاعده ی علمی داشت مثلاً این که نقطه ی جوش آب ۱۰۰ درجه سانتیگراد است یا مجموع زوایای مثلث ۱۸۰ درجه است را می توان از راه استدلال یا آزمایش به دیگران «اثبات» کرد، ولی در عرصه شناخت عاطفی،

اثبات وجود ندارد بلکه انقاع مخاطب صورت می گیرد، به این معنی که وقتی مخاطبی را تحت تأثیر یک بیان هنری قرار می دهیم، چیزی را برای او اثبات نمی کنیم، ولی او را در برابر مفهوم آن بیان، «انقاع» می کنیم.

سکته ی شگفتی آور این است که به قول دکتر شفیعی کدکنی: میزان اطمینان و یقین و ابطال ناپذیری بسیاری از داده های عاطفی و هنری، گاه چندان استوار است که رویاروی معرفت منطقی و علمی می ایستد و در ناخود آگاه آدمی به ستیزه با داده های معرفت منطقی و علمی، بر می خیزد و حتی آن را مغلوب می کند.^۱

این شکل از بیان و معرفت در جوهر همه ادیان و در مرکز تمام جریان های عرفانی جهان وجود دارد. می توان این عنصر شاخص و ارجمند را «پارادوکس» نامید.

آثار عظیم هنری بیشترین حظ و بهره را از پارادوکس یا متناقض نمایی برده اند و کسانی که با در دست گرفتن چرتکه، آثار هنری را تجزیه و تحلیل می کنند و با چرتکه به آن ها نمره می دهند، غالباً کسانی هستند که از تجربه خلاق هنری بی بهره اند. این هنر

^۱ . دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، ادراک بی چه گونه ی هنر، به نقل از مجله «بحار» شماره ۳۸

شناسان چرتکه به دست، غالباً در محاسبات و ارزیابی های خود، همان جاهایی را که قابل ادراک است، مورد بررسی قرار می دهند و از اصل هنر که قلمروی بی چگونه دارد، غالباً در غفلت اند.

نیکوس کازانتزاکیس نویسنده ی بزرگ مسیحی در بخشی از کتاب خود (گزارش به خاک یونان) به توصیف هنری احوال خود پرداخته و می گوید:

هر گاه به یقین رسیده ام، آرامش و اطمینانی زود گذر بوده است، این یقین از شک ها و دلهره های تازه پر می شود و مجبور می شوم مبارزه ای تازه را در پیش گیرم تا از یقین قبلی رهایی یابم و یقینی تازه بجویم که عاقبت آن یقین تازه هم به نوبه ی خویش به بلوغ می رسد و به بی یقینی بدل می شود، پس چگونه می توانیم بی یقینی را تعریف کنیم؟ بی یقینی ما، در یقینی تازه است.^۱

کازانتزاکیس معتقد است که نگارش کتابت و به زبان آوردن احوال و احساسات کاری بایسته و ارزشمند است. وی در کتاب آزادی یا مرگ می گوید:

رنج هایت را آفتابی کن، آن ها را از درونت بیرون بکش، تاریکی

^۱. نیکوس کازانتزاکیس، گزارش به خاک یونان، ترجمه صالح حسینی، نشر نیلوفر.

پرورشگاه آن هاست، اما روشنائی بلای جانشان است. شرمگین و هراسان مباش، حرف بزن.^۱

گزين گويه ها يكي از درخشان ترين نمونه هاي نگارش است. اين سبک و شيوه ي ادبي مبتني بر عنصر ايجاز است و نويسنده مي کوشد تا معاني تفصيلي و گسترده را در قالب کلماتي محدود بيان کند.

همين ويژگي باعث دشواري کار نويسنده مي گردد. دقت در انتخاب کلمات از سويي، وجود و حضور نگاهي تازه و نگارشي غير تکراري از جمله دشواري هاي اين شيوه ي اديبانه است. اگر نويسنده پشتوانه اي ارزشمند و دامنه دار از معارف و مفاهيم متنوع و متعدد نداشته باشد ضعف ها و معايب کار وي به سادگي شکار شده و مخاطبان را پراکنده خواهد ساخت. به قول نويسنده ي همين کتاب «انسان هايي که در عمق زندگي اندیشه نمي کنند بوته هاي سست و بلندي اند که در عمق زمين ريشه نمي زنند، نابودي براي اينان نويد آبادي است».

آن چه پيش روي شماست گزيده اي است از مکالمات دروني نويسنده اي که تازه گام در وادي نگارش نهاده است آن هم با

^۱ . نیکوس کارائزاکیس، آزادی یا مرگ، ترجمه محمد قاضی، افست، ۱۳۶۲، ص ۱۳۳.

شجاعتی ستودنی، نگاهی تازه و کلماتی استوار. تازگی و طراوت نگاه نویسنده را می توان در ژرف کاوی ها و جست و جوی های وی در مفاهیمی از قبیل زندگی، عشق، ایمان و ... به وضوح دریافت. توصیه های هنرمندانه و عمیق نویسنده سخت خواندنی است: «زندگی از هر سو به ما می نگرد، بگذاریم نگاهمان پر از زاویه باشد.»

برای آقای شریف پیران که در ابتدای جاده پر شکوه کتابت و آفرینش هنری ایستاده و با استعداد چشم گیرش نوید نویسنده ای توانا را به همراه دارد آرزوی توفیق دارم و امیدوارم مخاطبان این کتاب، در فرصت اندک همراهی، روح را در آب های زلال اندیشه و عاطفه ی کلمات شست و شو داده و نگاهی متفاوت به جهان، خدا و انسان را تجربه کنند.

تا یار که را خواهد و میلش به که باشد...

سید عبد الحمید ضیایی

تهران / زمستان ۱۳۸۹